

مطالعه تطبیقی الگوهای معماری و شهرسازی باغشهر طبس در دوره زندیه و باغشهر اصفهان در دوره صفویه

آرزو حسینی* - پژوهشگر دکتری معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
خاطره مروج تربتی - کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

با نگاهی به شهرسازی ایران، با مفهومی به نام توسعه شهری به معنی تغییرات در کاربری زمین و سطوح تراکم، جهت رفع نیازهای ساکنان شهر مواجه می‌شویم که در برخی از شهرها شباهت زیادی با باغشهر در معنای امروزی دارد. امروزه، عدم الگوگیری از ارزش‌های موجود در معماری و شهرسازی گذشته کشور، سبب بروز مشکلاتی در معماری و شهرسازی شده است. این در حالیست که با تأمل در معماری و شهرسازی سنتی ایران، می‌توان چنین الگوگیری‌هایی را در اعصار مختلف به وضوح مشاهده کرد. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که توسعه باغشهر طبس در دوره زندیه و اصفهان در دوره صفویه از چه الگوی مشترکی تبعیت کرده است. برای دستیابی به این هدف، با بهره‌گیری از منابع مکتوب و مصور و استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به مقایسه تطبیقی این دو باغشهر پرداخته شده است. یافته‌های حاصل از این تحقیق مهمترین تشابهات باغشهر طبس و اصفهان را نشان داده که به صورت: ۱- الگوی توسعه شهر ۲- نقاط ابتدایی و انتهایی محور توسعه ۳- کاربری‌های همجوار محور توسعه ۴- الگوی کلی پلان باغ‌های انتهایی محور توسعه ۵- الگوی کلی ورود آب به شهر، است. به نظر می‌رسد با توجه به وجود چنین تشابهات و تأخر زمانی باغشهر طبس نسبت به باغشهر اصفهان، الگوی توسعه شهر طبس در دوره زندیه ملهم از اصفهان در دوره صفویه بوده است.

واژگان کلیدی: طبس، باغشهر، اصفهان، دوره زندیه، دوره صفویه، الگو

مقدمه

در انتهای جنوبی و شرقی ایران، شهرهایی در میان دو کویر نمکزار یعنی دشت لوت و دشت کویر قرار دارند، جاییکه آب هنوز از طریق قنات فراهم می‌شود و با هدف آبیاری باغ‌ها و زمین‌ها ذخیره می‌شود. این شهرها اغلب باغ‌های بهشتی کوچکی داشتند. شهر طیس از جمله این شهرهاست، و «از نظر مسافر صحرا، که از راهی دراز و غریب به آنجا می‌آید، واحه‌ای است جذاب و بهشتی.» (هدین، ۱۳۵۵، ص ۴۳۳) به نظر می‌رسد که اصفهان دوره صفوی نیز با توجه به شرایط اقلیمی (گرم و خشک) و قرارگیری در کویر مرکزی دارای شرایط مشابهی با شهر طیس در دوره زندیه بوده‌است؛ اگرچه با وجود رودخانه زاینده‌رود زمینه ایجاد باغشهر در اصفهان بیشتر محیا بوده‌است. هدف مقاله حاضر معرفی محور توسعه باغشهر طیس در دوره زندیه و مقایسه تطبیقی آن با باغشهر اصفهان در دوره صفوی است. باید توجه داشت که الگوگیری از معماری و شهرسازی موفق گذشته می‌تواند راهگشایی در طراحی فضاهای مورد نیاز امروز ما باشد.

۱. پرسش‌های پژوهش

الف) توسعه باغشهر طیس در دوره زندیه و اصفهان در دوره صفویه از چه الگوهای معماری و شهرسازی مشترک تبعیت کرده‌است؟
ب) نحوه شکل‌گیری شالوده شهر طیس و اصفهان چگونه‌است؟

۲. روش پژوهش

پژوهش مذکور از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. شهرهای اصفهان در دوره صفویه و طیس در دوره زندیه، علیرغم قرارگیری در مناطق کویری، مورد توجه قرار گرفته و با احداث باغ‌هایی سرسبز چهره متفاوتی یافته‌اند؛ به طوریکه واژه «باغشهر» به آنها اطلاق می‌گردد. در پژوهش حاضر با استفاده از منابع مکتوب کتابخانه‌ای به تحلیل و بررسی تطبیقی-مقایسه‌ای این دو باغشهر پرداخته شده‌است تا ویژگی‌های مشابه معماری و شهرسازی آنها استخراج گردند. برای دستیابی به هدف مذکور ابتدا به بررسی هسته اولیه طیس و چگونگی گسترش آن در طول تاریخ، سپس به معرفی باغ‌گلشن و عنصر ارتباطی آن با هسته اولیه شهر پرداخته می‌شود و در نهایت برای مقایسه آن با باغشهر اصفهان؛ هسته اولیه و گسترش آن، محور چهارباغ و باغ هزار جریب بررسی می‌شود.

۳. پیشینه پژوهش

عالمی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «باغ‌های شاهی صفوی صحنه‌ای برای نمایش مراسم سلطنتی و حقانیت سیاسی» برای دستیابی به درک زیبایی‌شناختی باغ‌های صفوی، به مطالعه

باغشهرهای آن دوره و توصیف‌های شاعرانه آنها پرداخته؛ سپس از بیان تصویری باغ در نگاره‌ها بهره گرفته، تا به تعریفی وسیع از باغ ایرانی، شامل باغ‌های خصوصی، عمومی و شاهی که انگاره‌های مشابه دارند، دست یابد و در نهایت با بررسی باغ‌های شاخص و مراسم شاهانه در قرن ۱۰ و ۱۱ ه.ق به چگونگی احداث باغ‌ها در شهرها، به خصوص پایتخت‌ها برای برقراری مراتبی از سلطه بر رعایا و تحکیم بنیان سلطنتشان اشاره کرده‌است. همچنین عالمی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «باغ‌های دوره صفویه: گونه‌ها و الگوها» بر مبنای نقشه‌های انگلبرت کمپفر^۱ باغ‌های اصفهان را به گونه‌های باغ تخت، باغ حومه و باغ خیابان تقسیم‌بندی نموده‌است و در آخر با استفاده از تحلیل‌هایی توضیح داده که چگونه طرح باغ‌ها با وضع موجود زمین، چه از نظر ارتباط با بافت شهری و چه وضع توپوگرافی انطباق یافته‌است.

قاسمی سپجانی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «هسته اولیه و روند شکل‌گیری شهر اصفهان در طول تاریخ» و معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی روند تحول استخوانبندی اصلی شهر اصفهان و قانونمندی‌های آن» چگونگی گسترش شهر اصفهان در ادوار مختلف را توصیف نموده‌اند. همچنین نادری (۱۳۵۷) تاریخچه طیس را از منظر کتاب‌هایی چون نزهة القلوب، سفرنامه ناصر خسرو، معجم البلدان، راحة الصدور، گنج دانش و... توصیف نموده و اشاره‌ای به بناهای تاریخی آن نموده‌است.

۴. معرفی شهر طیس و نحوه شکل‌گیری شالوده آن

طیس شهری در شمال شرقی استان یزد است. اشاره‌های اندکی از گذشته این شهر در پیش از اسلام وجود دارد که نشان می‌دهد طیس از گذشته‌های بسیار دور (پیش از حمله اسکندر) نیز وجود داشته‌است. در کتاب «جامع مفیدی» در رابطه با اسکندر نام طیس به عنوان بیابان ذکر شده‌است^۲، همچنین در تاریخ ایران باستان نیز نام طیس به میان آمده‌است^۳. طیس پیش از اسلام دژ یا حصار کوچکی بوده‌است و مردم به هنگام حمله و ضرورت‌های دیگر در آن پناه می‌گرفته‌اند و در شرایط معمولی خارج از حصار زندگی می‌کرده‌اند^۴ (دانشدوست، ۱۳۷۶، ص ۲۰). از نوشته‌های «فتوح البلدان» که در سده سوم ه.ق تألیف شده، چنین برمی‌آید که طیس در آن زمان دارای بارو و حصار بوده‌است^۵ (بالادری، ۱۳۶۴، ص ۲۸۵). نوشته‌های «مسالک و ممالک»، تألیف به سال ۳۴۶ ه.ق، نشانگر آن است که در سده چهارم حصارهای که در قرون اولیه وجود داشته ویران شده و نیز حاکی از آن است که از ابتدا در داخل حصار کهندژ وجود نداشته‌است و دژی که در «فتوح البلدان» از آن نام برده شده تنها به صورت چهار دیوار برای اقامت و نگهداری چهارپایان بوده‌است^۶

می شود، و در طرفین خیابان جوی هایی وجود دارد. درخت های توت، نارنج و بید مجنون که در ردیف های چندی رویده اند رطوبت لازم را بوجود می آورند... در سمت چپ، دروازه قصر حاکم به چشم می خورد... محله ها، باغ ها و نخلستان هایی که در دو طرف خیابان قرار دارند، نسبتاً کم عرض هستند» (هدین، ۱۳۵۵، ص ۴۳۳).

جهت این خیابان از غرب به شرق است و دو عنصر اصلی شهر طیس (قلعه طیس و باغ گلشن) در دو انتهای خیابان گلشن قرار دارد. این خیابان در دو انتها به دو میدان می رسد؛ یکی در مقابل قلعه قدیمی که همان میدان گلشن است (تصویر ۲) و دیگری در مقابل باغ گلشن (تصویر ۳). با احداث محور خیابان گلشن، شهر قدیم به صورت باغشهر گونه شامل مجموعه ای از باغ ها و خانه های اعیانی بود (تصویر ۴).

خیابان گلشن برای مردم طیس عملکرد باغ داشته (تصویر ۵)، به خصوص زمانی که باغ گلشن در اختیار عموم نبوده و جنبه شخصی و یا حکومتی داشته است. در حقیقت خیابان گلشن یک فضای سبز شهری و یا یک باغ بزرگ است و با وجود درختان پرسایه، جوی های آب، صدای آب، گل های خزرهره و بهار نارنج و... چیزی کمتر از باغ ندارد (دانشدوست، ۱۳۶۹، صص ۲۹۱-۲۸۹).

۴-۲. معرفی باغ گلشن طیس

این باغ به وسیله میرحسن خان، سومین حاکم طیس که به وسیله نادرشاه منصوب شده بود ساخته شد^۳ (تصویر ۶). در محور خیابان گلشن، ساختمان سردر، در کنار میدانی ساخته شده است (تصویر ۷). در طبقه اول ساختمان سردر، ایوانی با دو ستون به طرف میدان باز می شود. ورودی باغ در زیر این ایوان و در محور



تصویر ۲: میدان گلشن طیس (دانشدوست، ۱۳۶۹، صص ۳۰۴)

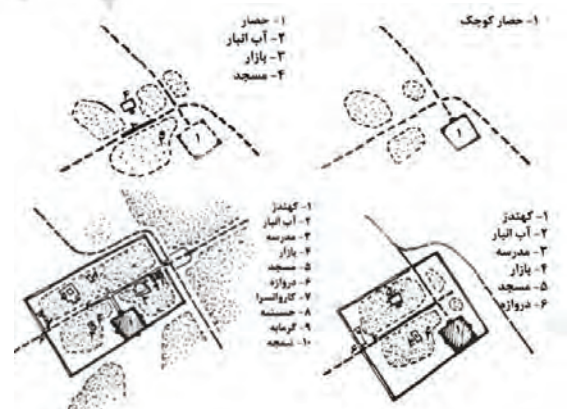
(استخری، ۱۳۴۷، ص ۲۱۶). در «احسن التقاسیم»^۴ ضمن تأیید وجود حصار و یا دژ در اوایل قرن چهارم هـ.ق، از وجود بازاری کوچک، مسجدی خوب و حمام های پاکیزه است صحبت به میان آمده است، که نشان از توسعه شهر در خارج حصار می تواند باشد (مقدسی، ۱۳۶۱، ص ۴۷۱).

ناصر خسرو (۱۳۸۴) در بازدید از طیس در سده پنجم هـ.ق بیش از هر چیز از وسعت و انبوهی شهر سخن به میان آورده، در ضمن به صراحت بیان کرده که شهر دیوار و حصاری ندارد^۵ (ص ۱۶۹). در کتاب «عقدالعلی» عنوان شده در زمان امیر اسماعیل گیلکی که تا سال ۴۹۷ هـ.ق امیر طیس بوده، همواره صحبت از دروازه شهر می شود^۶. این سخن حاکی از آن است که بعدها حصاری به دور شهر کشیده شده است (افضل الدین کرمانی، ۱۳۵۶، ص ۱۱۳). از سده ششم هـ.ق. به بعد همواره صحبت از وجود حصار است که باروی شهر همه وسعت شهر را در اطراف کهندژ محصور می نموده است. در میان منابع می توان به «نزهة القلوب»، تألیف به سال ۷۴۰ هـ.ق، اشاره کرد که در آن از حصاری محکم سخن به میان آمده^۷ (مستوفی، ۱۳۳۱، ص ۱۴۵) و نیز «تاریخ روضه الصفا»، تألیف در سده نهم هـ.ق، که ضمن بیان وقایع سال ۸۶۲ هـ.ق از حصار محکم و کهندژ با نام قلعه طیس یاد شده است^۸ (تصویر ۱) (میرخواند، ۱۳۸۰، ص ۳۴۳).

۴-۱. خیابان گلشن، محور توسعه طیس در دوره زندگی

میرزا علی منشی باشی در یادداشت هایش ضمن شرح مفصل آبادانی های میرحسن خان (حاکم طیس)، به پیشنهاد لطفعلی خان زند، از خیابانی در کمال شکوه و باغی در بالای آن (خیابان و باغ گلشن) نام می برد. (جوادی و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۱۵۴) لازم به ذکر است که زمان ساخت خیابان گلشن را به سال ۱۲۰۶ هـ.ق در اواخر دوره زندیه می دانند (دانشدوست، ۱۳۶۹، ص ۲۸۹).

هدین نیز در کتاب کویرهای ایران درباره این خیابان می نویسد: «خیابان بینهایت طویل و کاملاً مستقیمی به میدان شهر ختم



تصویر ۱: نحوه شکل گیری و توسعه طیس (نگارندگان، ۱۳۹۱ با استفاده از دانشدوست، ۱۳۷۶، ص ۹۸).



تصویر ۵: خیابان گلشن طبس (نگارندگان)



تصویر ۶: باغ گلشن (نگارندگان)

انتخاب شود. ادواری چون آل بویه، سلجوقی و بالاخره در عهد حکومت صفویان. هسته اولیه شهر کنونی اصفهان، دو سکونتگاه کوچک به نام‌های جی و یهودیه بوده است. گمان می‌رود موقعیت جغرافیایی جی در حاشیه زاینده‌رود، در محلی که تپه‌های جی و اشرف فعلی واقع‌اند، و محل تقریبی یهودیه در حوالی میدان کهنه امروزی بوده است (قاسمی سیجانی، ۱۳۸۴، ص ۶).

در قرون اولیه بعد از ظهور اسلام، شهر یهودیه که در محل شمال شرقی شهر اصفهان فعلی قرار داشته است، رو به توسعه می‌نهد و از قرن دوم هجری به بعد با کاسته شدن از اهمیت جی، بر اهمیت یهودیه افزوده می‌شود به ویژه ساخته شدن مسجد جامع در آن در نیمه قرن دوم هجری، موقعیت آن را به مثابه یک شهر استحکام بیشتری می‌دهد (تصویر ۸). برگزیده شدن اصفهان به پایتختی در دوران آل بویه، سبب رونق و آبادی بیشتر شهر می‌گردد. در این دوره نیز شهر حول قسمت مرکز آن در برگزیده میدان کهنه، قصر سلطنتی، مسجد جامع و بازار گسترش می‌یابد (اهری، ۱۳۸۵، ص ۸۷). دوره شکوفایی بعدی در شهر اصفهان در دوران سلطنت سلجوقیان است، که شهر مجدداً برای مدتی پایتخت می‌شود (تصویر ۹). در این دوره رشد شهر به طور عمده درون محدوده‌های باروی آل بویه است، با این تفاوت که در اطراف شهر باغ‌ها و کاخ‌های متعددی ایجاد می‌شود (اهری، ۱۳۸۵، ص ۸۷).



تصویر ۳: میدان جلو باغ گلشن (دانشدوست، ۱۳۶۹، ص ۳۰۵)

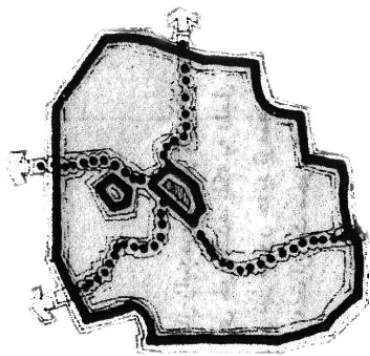


تصویر ۴: موقعیت باغ‌های تاریخی و معروف طبس (دانشدوست، ۱۳۶۹، صص ۵۲-۵۳)

بنا و باغ قرار دارد. از پله‌های هشتی که بالا می‌رویم به دومین سطح باغ می‌رسیم. باغ دارای طرحی است که به احتمال زیاد در یک نخلستان پیاده شده است، زیرا درختان خرما در آن به صورت پراکنده وجود دارد. خطوط اصلی طراحی باغ شامل دو خیابان است، یکی در محور ورودی و دیگری عمود بر آن قرار دارد. سطح باغ به چهار مربع بزرگ و هر مربع مجدداً به چهار مربع کوچکتر تقسیم می‌شود. باغ در سه سطح ایجاد شده است و در محور عمود بر ورودی اختلاف سطح باغ به صورت سطح شیبدار درآمده است. در سطح بالا جوی آب از کنار باغچه میانی می‌گذرد و سپس به صورت آبشار به سطح پایین می‌ریزد. باغچه میانی نیز از ابتدا تا انتهای باغ ادامه پیدا می‌کند. در روی محور اصلی و در محل تلاقی دو خیابان استخری وجود دارد (دانشدوست، ۱۳۶۹، صص ۹۷-۹۴).

۵. معرفی شهر اصفهان و نحوه شکل‌گیری شالوده آن

اصفهان یکی از شهرهای کهن ایران است، شهر اصفهان تاریخی از زمان هخامنشیان دارد و شاهان این سلسله در آن اقامت گزیدند. پس از آن نیز چه در قبل اسلام و چه در بعد آن شهری پررونق بوده است. اهمیت اقتصادی و سیاسی اصفهان باعث شد که این شهر در ادوار مختلف به پایتخت اباتی و حکومتی



تصویر ۹: اصفهان در دوره سلجوقی
(معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران، ۱۳۸۸، ص ۲۱)



تصویر ۷: میدان و سردر باغ گلشن (دانشدوست، ۱۳۶۹، ص ۱۰۳)



تصویر ۱۰: اصفهان در دوره صفوی
(معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران، ۱۳۸۸، ص ۲۳)



تصویر ۸: اصفهان در دوره ساسانیان و اوایل اسلام
(قاسمی سیجانی، ۱۳۸۴، ص ۶)

با برگزیده شدن اصفهان به عنوان پایتخت صفویان، در سال ۱۰۰۶ کالبد شهر اصفهان دوران جدیدی را آغاز می‌کند. با گسترش شهر در این دوره به سوی جنوب، قسمت تازه ساز شهر در کنار زاینده‌رود قرار گرفته و لذا نه تنها این عناصر طبیعی، عاملی در جهت کشش استخوانبندی اصلی شهر به سوی خود شده، بلکه به دلیل احداث و بازسازی پل‌های متعدد که پیوند بین شهر را با محلات آن سوی رودخانه و نیز محور جدید توسعه شهر (هزارجریب) فراهم می‌سازد، خود جزئی از استخوانبندی شهر شده و به عنوان یک محور شرقی- غربی قوی، از این مقطع تاریخی در استخوانبندی اصلی شهر مطرح می‌شود (تصویر ۱۰) (معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران، ۱۳۸۸، ص ۲۲).

به بیان دیگر شاه عباس از طرفی با ساخت میدان نقش جهان در بخش جنوبی شهر سلجوقی حرکت و رونق دوچندان به بازار و تجارت شهر بخشید و موجب توسعه بیشتر بازار شد. از طرف دیگر با احداث محور چهارباغ، شهر سلجوقی را به صورت باغشهر به سمت رودخانه توسعه داد. این توسعه باغشهر گونه شامل مجموعه‌ای از باغ‌ها و کاخ‌ها با کلاه‌فرنگی‌ها و خانه‌های اعیانی دربربان بود، که در اطراف خیابان چهارباغ قرار داشت (جهاد دانشگاهی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، ۱۳۸۸،

۵-۱. خیابان چهارباغ، محور توسعه اصفهان در دوره صفویه

شاه عباس باغشهر اصفهان را در سال ۱۵۹۸ میلادی بنا نمود. او در این تفکر بود که زیباترین باغشهر را به خود اختصاص دهد. چهارباغ فضای شهری عالی‌ای بود که با عناصر معمارانه و تزئینی طراحی شده بود که توسعه شهر جدید را سامان می‌داد. به عبارتی گردشگاه چهارباغ هم دولت‌خانه و باغ‌های واقع در دو سوی زاینده رود را به یکدیگر وصل می‌کرد، و هم ستون فقرات الگوی خطی باغ‌ها بود (تصویر ۱۱ و ۱۲). هر یک از این باغ‌ها عمارت سردری داشت و این سردرها به تقارن در کنار چهارباغ قرار می‌گرفتند و نمای شهری بی‌نظیری فراهم می‌آوردند (عالمی، ۱۳۸۵، صص ۷۷-۷۸).

کمپفر (۱۳۶۳) که در سفرنامه خود از تعدادی از باغ‌های شاهی

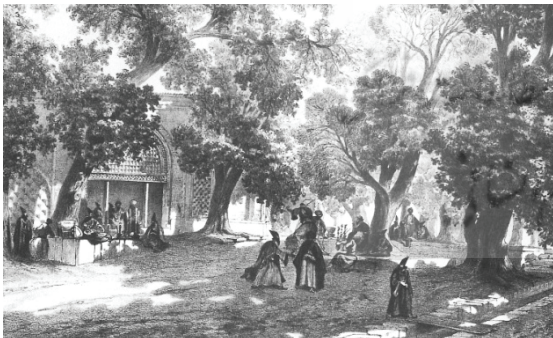
نقشه‌برداری و طراحی کرده، در مورد وجه تسمیه چهارباغ می‌نویسد که این خیابان بدان دلیل چنین نامی گرفته که در اثر تقاطع با رودخانه‌ای که عمود بر آن جریان دارد، اراضی را به چهار قطعه باغ تقسیم کرده است. وی که طول خیابان را بالغ بر ۳۳۱۰ گام برآورد کرده، در ادامه به تفصیل چهارباغ و باغ‌های اطراف را توصیف می‌کند: «این خیابان از پشت قصر شاه شروع می‌شود و در جهت جنوب غربی به طور مستقیم تا باغ هزارجریب ادامه دارد. زیبایی خاص این خیابان به خصوص در نهری است که در وسط آن از سنگ تیشه‌ای تعبیه کرده‌اند و پنج پا عرض و یک پا عمق دارد. در این نهر، آب... جریان دارد تا اینکه سرانجام در شبی که به پل الله وردی خان می‌رسد، پایان می‌یابد... یکی از خصوصیات دیگر چهارباغ این است که در دو طرف، چنارهای مرتفع تنگ در کنار هم دارد و غربا می‌توانند حتی در نیمروز در زیر سایه‌های آن از شر آفتاب سوزان در امان باشند و به اصطلاح خود ایرانی‌ها، در زیر طاق سبز بخرامند... سطحی که توسط دو محور عمود بر هم خیابان و رودخانه به چهار قسمت تقسیم شده با دیوارهای فرعی سی باغ را تشکیل داده که قسمتی از آنها را شاه به بزرگان و اعیان واگذاشته و قسمتی دیگر را برای استفاده شخصی یا همگانی تخصیص داده است. نه تنها این باغ‌ها به پایتخت رونق و جلوه فراوانی بخشیده؛ بلکه خود این باغ‌ها... حکم بهشت روی زمین را دارند...» (صص ۱۹۵-۱۹۶).

۲-۵. باغ هزار جریب

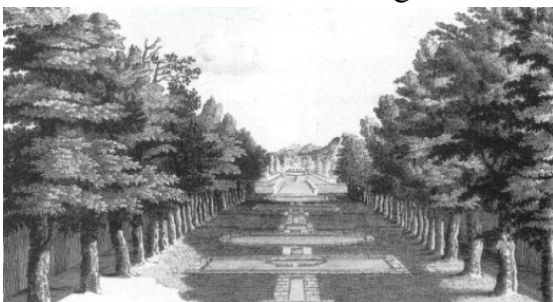
کمپفر (۱۳۶۳) وجه تسمیه هزارجریب را برحسب سطحی می‌داند که آن باغ اشغال کرده است. وی در وصف این باغ (تصویر ۱۳)

چنین آورده است:

«اراضی باغ شیب مختصری دارد و می‌توان گفت تقریباً مربع است و طول و عرض آن به بیش از یک هزار و سیصد قدم در عرض و طول می‌رسد. با دیواری که از وسط آن به صورت مایل کشیده شده این باغ به دو باغ تقسیم گردیده است... تمام سطح باغ با خیابان‌هایی که به فاصله هشتاد قدم از یکدیگر، در عرض و طول آن احداث شده، به مربع‌هایی تقسیم گردیده است. کف زمین شنی است و خشک ولی با سه رشته نهری که از زاینده رود منشعب است آباد و سبز و خرم می‌شود... [نهر چشه] به موازات دیوار خارجی بزرگ جنوبی جریان دارد و از آنجا در جوی‌های کوچکتر در طول خیابان‌ها راه می‌افتد. این جوی‌ها سراسر باغ را مشروب می‌کند و گاه به آبگیرهایی تبدیل می‌شود... خیابان مشجر وسطی که درست ادامه و دنباله چهارباغ است و در هر دو طرف ردیف چنار بلند دارد، زینت اصلی باغ هزارجریب به شمار می‌رود... از محاسن دیگر باغ دو استخر وسیع هشت ضلعی قابل ذکر است که آنها را از سنگ‌هایی که به دقت صیقلی شده ساخته‌اند و در وسط دو نیمه باغ واقع شده است... رشته خیابان بزرگ در وسط باغ با سه ساختمان قطع می‌شود. یکی از آنها در مدخل باغ قرار دارد و در عین حال حاکی از این است که چهارباغ به انتها رسیده؛ ساختمان دوم در تقاطع خیابان مشجر و دیوار بین دو قسمت باغ، یعنی درست در مرکز باغ هزارجریب واقع است؛ سومین عمارت سرانجام در پایان این خیابان مشجر بنا گردیده است. همه اینها چهارگوش، تقریباً مرتفع و مطابق قواعد معماری ایران با سلیقه بسیار از آجر ساخته شده است...» (صص ۲۱۵-۲۱۷).



تصویر ۱۲: چهارباغ اصفهان (خوانساری و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۸۸)



تصویر ۱۳: هزارجریب (نعیم، ۱۳۸۵، ص ۶۷)



تصویر ۱۱: توسعه اصفهان صفوی (نعیم، ۱۳۸۵، ص ۶۳)

۶. مطالعه تطبیقی و بحث و تحلیل یافته‌های پژوهش

از بررسی‌های تطبیقی باغشهر طبس در دوره زندیه و باغشهر اصفهان در دوره صفویه به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- الگوی توسعه طبس و پیوند با بافت قدیم شهر همانند توسعه اصفهان بوده است. این توسعه توسط محوری سبز صورت گرفته



تصویر ۱۴: چگونگی گسترش شهر طبس (نگارندگان)



تصویر ۱۵: چگونگی گسترش شهر اصفهان (نگارندگان)

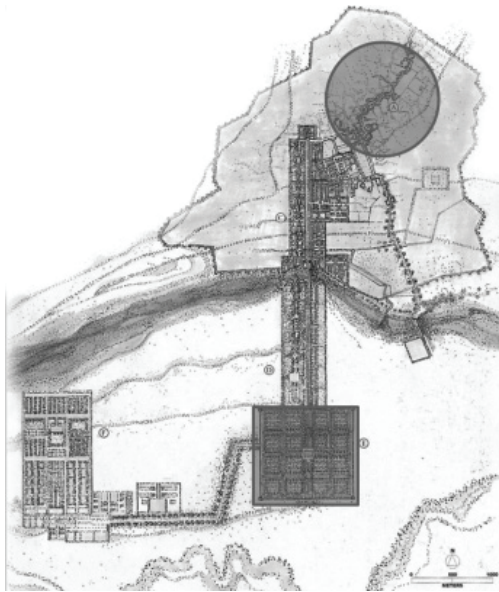
است (تصویر ۱۴ و ۱۵).

۲- نقاط ابتدایی و انتهایی محور توسعه در این دو شهر، به صورت قرارگیری مرکز سیاسی در یکسو و در سوی دیگر باغ بوده است (تصویر ۱۶ و ۱۷).

۳- احداث خیابان گلشن و محور شرقی توسعه طبس و خیابان چهارباغ و محور جنوبی توسعه اصفهان صفوی مشابهت دارد. در اطراف محور توسعه در دو شهر مذکور باغات و خانه‌های اعیانی قرار گرفته است. (تصویر ۱۸ و ۱۹) خیابان چهارباغ اصفهان چون باغی طولی (باغ-خیابان) و به منزله فضای باز شهری، مکانی تفریحی برای عموم بوده که زیبایی‌اش مرهون نهرهای آب، ردیف‌های درختان چنار و سردرهای باغ‌ها در طرفین خیابان بوده است. همچنین شاه عباس با رفت و آمد میان باغ حومه‌ای هزارجریب و دولتخانه خود و عبور از خیابان چهارباغ، بیشتر در انظار عمومی قرار می‌گرفته و قدرت سیاسی خود را به نمایش می‌گذاشته است. خیابان گلشن طبس نیز صرفاً خیابانی با ردیف درختان و جوی‌های آب نبوده؛ بلکه در زمانیکه باغ گلشن جنبه حکومتی داشته و در اختیار عموم نبوده، همچون یک فضای سبز شهری و یا یک باغ بزرگ دارای عملکرد گردشگاهی و تفریحی بوده است. البته باید خاطر نشان کرد که باغ‌های اطراف چهارباغ به صورت طراحی شده و به تقارن در طرفین آن قرار گرفته بودند؛ ولی در باغ‌های اطراف خیابان گلشن چنین نظمی دیده نمی‌شود.

۴- باغ گلشن و هزارجریب هر دو بیانگر شکوه و عظمت حکومت‌های زندیه و صفویه است، هر چند که باغ گلشن عملکرد حکومتی و هزارجریب عملکرد تفریحی داشته است. الگوی کلی پلان باغ گلشن و هزارجریب نیز مشابهت دارند: هر دو باغ تقریباً مربع شکل و دارای تقسیمات دو محوری‌اند. قابل ذکر است که سطح باغ گلشن به چهار مربع بزرگ و هر مربع مجدداً به چهار مربع کوچکتر و در نهایت باز به چهار مربع کوچکتر تقسیم شده؛ در حالیکه سطح باغ هزارجریب نخست به چهار مربع بزرگ، سپس هر مربع مجدداً به چهار مربع کوچکتر و در آخر به نه مربع کوچکتر تقسیم شده است. درباره نحوه کاشت درختان دو باغ نیز می‌توان گفت که باغ هزار جریب بر مبنای نظام کاشت باغ ایرانی شکل گرفته؛ این درحالی است که با توجه به احداث باغ گلشن در نخلستان‌های واحه طبس، این باغ به طور کامل دارای الگوهای منظم نیست (تصویر ۲۰ و ۲۱).

۵- ورودی هر دو باغ در راستای امتداد محور طولی بوده و در محل تلاقی محورها حوض یا استخر دیده می‌شود. باید عنوان کرد که در باغ گلشن به علت نبود کوشک در محل تقاطع محورهای اصلی، استخری بزرگ دیده می‌شود؛ ولی در باغ هزارجریب در محل تقاطع محورهای اصلی کوشک بوده و حوض‌های متعددی در محل تقاطع محورهای فرعی دیده می‌شده است. به بیان دیگر در باغ گلشن محور طولی سبز است و آب در اطراف آن (به علت



تصویر ۱۷: نقاط ابتدایی و انتهایی محور توسعه شهر اصفهان (نگارندگان)



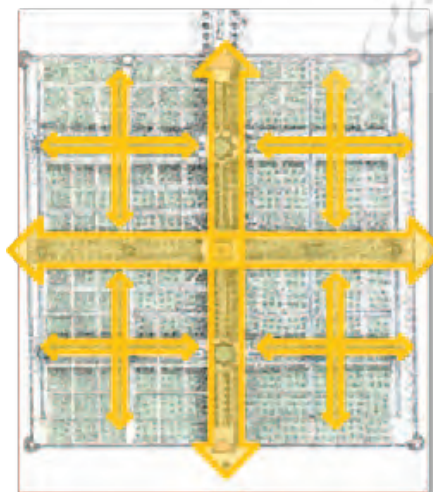
تصویر ۱۶: نقاط ابتدایی و انتهایی محور توسعه شهر تبریز (نگارندگان)



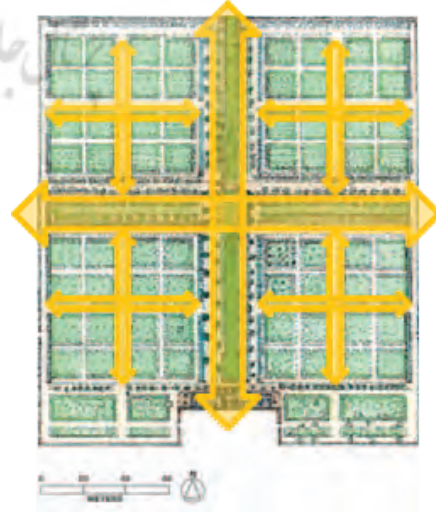
تصویر ۱۹: منظره هوایی خیابان چهارباغ اصفهان (خوانساری و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۹۲)



تصویر ۱۸: منظره هوایی خیابان گلشن تبریز (دانشدوست، ۱۳۶۹، ص ۲۹۲)



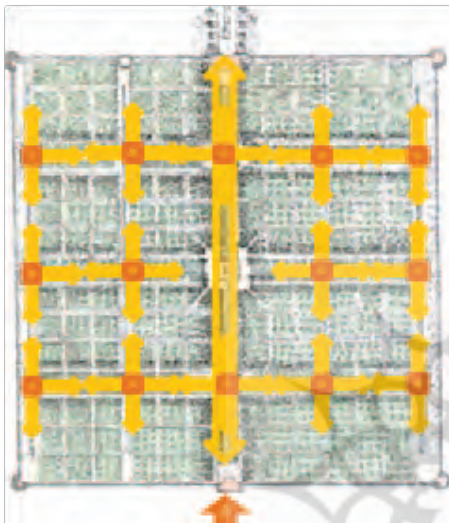
تصویر ۲۱: نقشه و تقسیمات دو محوری هزارجریب اصفهان (نگارندگان)



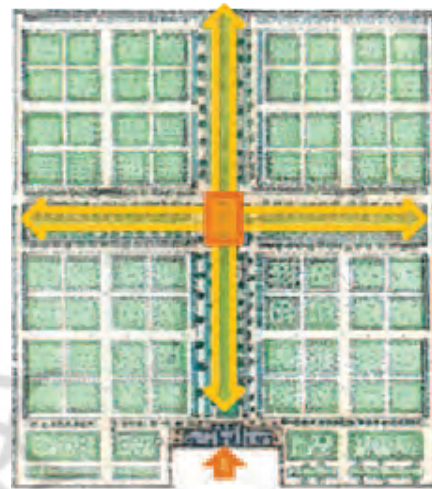
تصویر ۲۰: نقشه و تقسیمات دو محوری باغ گلشن تبریز (نگارندگان)

سکونت افراد و عدم وجود ساختار معماری) دیده می‌شود؛ ولی در باغ هزار جریب محور وسط آب بوده که جلوه‌های زیبا به عمارات کلاه فرنگی می‌بخشیده است. همچنین طبق نقشه‌های کمپفر در ابتدا و انتهای باغ هزار جریب نیز مانند باغ گلشن، عمارت سردر یا بالاخانه با پلان چهار ایوانی قرار گرفته که جبهه ورودی آن گشوده بوده است (تصویر ۲۲ و ۲۳).
 ۶- الگوی کلی ورود آب در دو باغ ذکر شده به صورت گذر از باغ و ورود به شهر است که در رابطه با شیب طبیعی زمین می‌باشد. در شهر طبس، آب مورد نیاز شهر پس از گذر از باغ گلشن به

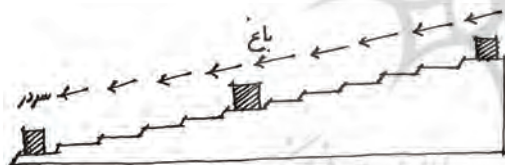
میدانی وارد می‌شود و در آنجا به دو نهر شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود و در شهر جریان می‌یابد؛ الگوی مشابهی نیز در باغ هزار جریب دیده می‌شود که آب پس از گذر از باغ به سمت شهر روانه می‌شود؛ اما در اینجا آب تقسیم نمی‌شود و امتداد همان محور آب در چهارباغ جاری می‌شود. در داخل دو باغ نیز در محور عمود بر ورودی اختلاف سطح به صورت سطح شیبدار درآمده و آب به صورت آبشار از سطح بالا به سطح پایین می‌ریزد. قابل ذکر است که باغ گلشن در سه سطح ولی باغ هزار جریب در دوازده سطح ایجاد شده‌اند (تصویر ۲۴ و ۲۵).



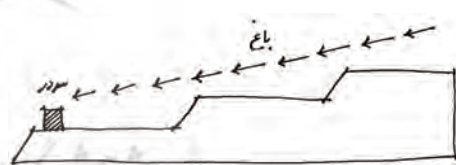
تصویر ۲۳: محل ورودی در باغ هزار جریب اصفهان (نگارندگان)



تصویر ۲۲: محل ورودی در باغ گلشن طبس (نگارندگان)



تصویر ۲۵: الگوی ورود آب در باغ هزار جریب (نگارندگان)



تصویر ۲۴: الگوی ورود آب در باغ گلشن (نگارندگان)

نتیجه‌گیری

با توجه به پژوهش انجام گرفته و توصیفاتی که به ذکر آنها پرداخته شد، می‌توان دو شهر اصفهان در دوره صفویه و طبس در دوره زندیه را باغشهر دانست. شباهت میان این دو باغشهر در قالب الگوی توسعه، نقاط ابتدایی و انتهایی محور توسعه، احداث خیابان گلشن و چهارباغ، الگوی کلی پلان باغ گلشن و باغ هزار جریب، محل ورودی دو باغ و نیز الگوی کلی ورود آب به دو باغ شناسایی شد. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که در هر دو باغشهر توسعه توسط محوری سبز از سمت مرکز حکومتی شهر (ارگ یا کاخ) به سمت باغی بزرگ با عملکرد حکومتی یا تفریحی و الگوی مشابه (پلان، تقسیمات محوری، محل ورودی و حضور آب) بوده است. هر چند این دو، مربوط به ادوار مختلف معماری و شهرسازی ایران هستند اما مقایسه و یافتن شباهت میان آنها، وجود الگویی مشخص با تغییرات اندک را آشکار نمود که بهره‌مندی از چنین الگوهایی سبب ایجاد غنا در معماری و شهرسازی معاصر ایران خواهد شد. به نظر می‌رسد با توجه به وجود چنین تشابهات و تأخر زمانی باغشهر طبس نسبت به باغشهر اصفهان، الگوی توسعه شهر طبس در دوره زندیه ملهم از اصفهان در دوره صفویه بوده است. قابل ذکر است که این ادعا سرآمدی است برای پژوهش‌های آتی در این زمینه که نیازمند دقت و مطالعات بیشتری است.

جدول ۱: مطالعه تطبیقی الگوهای معماری و شهرسازی باغشهر طیس در دوره زندیه و باغشهر اصفهان در دوره صفویه (نگارندگان)

الگوهای معماری و شهرسازی	باغشهر اصفهان	باغشهر طیس
محور توسعه شهر	محور سبز شمالی- جنوبی	محور سبز غربی- شرقی
نقطه ابتدایی محور توسعه	مرکز حکومتی شهر (کاخ جهان نما)	مرکز حکومتی شهر (قلعه طیس)
نقطه انتهایی محور توسعه	باغ هزارجریب	باغ گلشن
پلان باغ	مربع شکل و دارای تقسیمات دو محوری	مربع شکل و دارای تقسیمات دو محوری
ورودی باغ	در راستای محور طولی	در راستای محور طولی
ورود آب به باغ	گذر از باغ در ۱۲ سطح و ورود به شهر	گذر از باغ در ۳ سطح و ورود به شهر

پی‌نوشت

۱. Engelbert Kampfer، دانشمند و پزشک مشهور آلمانی که در سال‌های ۱۶۸۴ و ۱۶۸۵ مهمان دربار ایران در اصفهان بود.
۲. «... و اسکندر به ری آمد از اکابر عجم هر که را یافت در قید اسارت آورد و خواست که به قتل آورد. ارسطاطالیس مانع شد نگذاشت و خون بزرگان ریختن مبارک نباشد. اسکندر ایشان را بند کرده با خود به اصطخر برد و بعد از ضبط و نسق فارس، از راه ابرقو متوجه بیابان طیس شد. چون به این مقام که اکنون خطه یزد است رسیده نزول نمود...» (مفید، ۱۳۴۲، ص ۱۰).
۳. «چون اسکندر شنید که داریوش از همدان رفته است، راه خود را به ماد تغییر داده شتافت تا به داریوش برسد. در آخر پاره تاگن شهری است طیس نام در آنجا به اسکندر گفتند، که داریوش عزیمت باختر کرده...» (پیرنیا، ۱۳۷۵، ص ۱۴۴۱).
۴. در تاریخ ماد می‌خوانیم که در خاک ماد نقاط مسکونی مستحکم دژ مانند (حصار گونه) و نقاط مسکونی کوچک دیگری در اطراف آن وجود و ساکنان این نقاط به هنگام ضرورت می‌توانستند به درون حصار دژ پناه برند. یک چنین پیشینه‌ای را نیز می‌توان برای طیس متصور شد (دانشدوست، ۱۳۷۶، ص ۲۰).
۵. در فتوح البلدان چنین آمده است: «عبدالله به کرمان رفت و از آنجا به طیسین شد، طیسین دو باروست که یکی را طیس گویند و دیگری را کرین، آنجا گرمسیر است و دارای نخلستان‌ها و آن دو دژ در خراسانند.» (فتوح البلدان، ۱۳۶۴، ص ۲۸۵).
۶. در مسالک و ممالک استخری چنین آمده است: «و طیسین کمتر از قاین است، درخت خرما دارد و در شمار گرمسیر است و حصار دارد، ولی قهندز ندارد و آب از کاریز بر دارند.» و در جای دیگر این چنین می‌گوید: «و طیس بزرگتر از ینابذ است، و آب کاریز دارند، و حصاری ویران دارد.» (استخری، ۱۳۴۷، ص ۲۱۶).
۷. «طیس خرما دزی دارد. حجاری نما است. بازارش کوچک و جامعش خوبست. از آب انبارها که از کاریزهای روباز پر می‌شود، می‌آشامند. در آنجا گرمابه‌های نیکو دیدم» (احسن التفاضل، ۱۳۶۱، ص ۴۷۱).
۸. «طیس شهری انبوه است، اگرچه به روستا نماید.» و در ادامه می‌گوید: «و عظیم ایمن و آسوده بودند مردم آنجا، چنانکه به شب در سرای‌ها نیستندی و ستور در کویرها باشد، با آنکه شهر را دیوار نباشد و...» (ناصر خسرو، ۱۳۸۴، ص ۱۶۹).
۹. در عقداعلی تألیف به سال ۵۶۲ ه.ق. چنین آمده است: «امیر اسماعیل گیلکی که پادشاه طیس بود روزی از دروازه شهر بیرون آمد.» (کرمانی، ۱۳۵۶، ص ۱۱۳).
۱۰. در نزهة القلوب که به سال ۷۴۰ ه.ق. تألیف شده، درباره طیس نوشته شده است که: «حصاری محکم دارد و در جوار آن علف نیست و...» (مستوفی، ۱۳۳۱، ص ۱۴۵).
۱۱. «... قلعه طیس در زمان خاقان منصور در تحت تصرف امیر محمد ولی بیک بود و در آن حصار استوار از قبل جناب امارت مآب امیر تر وی بابا که در سلک نوابش انتظام داشت، به لوازم حکومت مشغول می‌فرمود...» (میرخواند، ۱۳۸۰، ص ۳۴۳).
۱۲. تنها تاریخی که بر روی بنا وجود دارد، جمله‌ای است که به روی حلقه در ورودی کنده‌کاری شده: «به امر سردار مکرم ۱۳۳۸ قمری» این نوشته می‌رساند که باغ توسط سردار مکرم بازسازی اساسی شده است، می‌گویند حوض و آبشارهای باغ در زمان سردار مکرم به صورت گذشته بود و پس از او به وسیله عبدالرضاخان امیری حدود سال‌های ۱۳۱۳-۱۳۰۹ شمسی به وضع فعلی ساخته و پرداخته شده است.

منابع

- استخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۴۷). **مسالک و ممالک**. (به اهتمام ایرج افشار). تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افضل‌الدین کرمانی، احمد بن حامد (۱۳۵۶). **عقدالعلی للموقف الاعلی: قدیمی‌ترین تاریخ مربوط به حوادث کرمان در عهد سلاجقه**. تهران: روزبهان.
- اهری، زهرا (۱۳۸۵). **مکتب اصفهان در شهرسازی (دستور زبان طراحی شالوده شهری)**. تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بلاذری، احمدبن یحیی (۱۳۴۶). **فتوح البلدان (بخش مربوط به ایران)**. (آذرتاش آذرنوش، مترجم). تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- پیرنیا، حسن (۱۳۷۵). **تاریخ ایران باستان**. جلد دوم. تهران: دنیای کتاب.
- جوادی، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۳). **باغ ایرانی: حکمت کهن، منظر جدید**. جلد ۲. تهران: موزه هنرهای معاصر.
- جهاد دانشگاهی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران (۱۳۸۸). **بازار ایرانی تجربه‌ای در مستندسازی بازارهای ایران**. تهران: جهاد دانشگاهی.

- خوانساری، مهدی؛ مقتدر، محمدرضا؛ یوری، مینوش (۱۳۸۳). **باغ ایرانی بازتابی از بهشت**. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- دانشدوست، یعقوب (۱۳۶۹). **طیس شهری که بود (باغ‌های طیس)**. سازمان میراث فرهنگی کشور. تهران: انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- _____ (۱۳۷۶). **طیس شهری که بود (بناهای تاریخی طیس)**. سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران: انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- عالمی، مهوش (۱۳۸۵). **باغ‌های دوره صفویه: گونه‌ها و الگوها**. (محسن جاوری، مترجم)، *فصلنامه گلستان هنر*، ۵، ۷۲-۹۱.
- _____ (۱۳۸۷). **باغ‌های شاهی صفوی صحنه‌ای برای نمایش مراسم سلطنتی و حقانیت سیاسی**. (حمیدرضا جیحانی و مریم رضایی پور، مترجم). *فصلنامه گلستان هنر*، ۱۲، ۶۸-۴۷.
- قاسمی سیچانی، مریم (۱۳۸۴). **هسته اولیه و روند شکل‌گیری شهر اصفهان در طول تاریخ**. *دانش نما، دو ماهنامه فنی مهندسی*، (۱۲۵ و ۱۲۴)، ۱۰-۶.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). **سفرنامه کمپفر**. (کیکاووس جهاننداری، مترجم). تهران: خوارزمی.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۳۱ ه.ق / ۱۹۳۱ م). **نزهةالقلوب**. (کالرلی لیسترنج انگلیس، مصحح)، چاپ لیدن هلند.
- مقدسی، ابو عبدالله احمدبن محمد (۱۳۶۱). **احسن التقاسیم**، (علی‌نقی منزوی، مترجم). تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران (۱۳۸۸). **بررسی روند تحول استخوان بندی اصلی شهر اصفهان و قانونمندی‌های آن**. *دانش نما، دو ماهنامه فنی مهندسی*، (۱۶۷-۱۶۹)، ۳۶-۱۶.
- میرخواند (۱۳۸۰). **تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء**. (جمشید کیان‌فر، مصحح). *جلد هفتم*. تهران: اساطیر.
- قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۸۴). **سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی**. (کوشش‌گر: دکتر محمد دبیر سیاقی). تهران: انتشارات زوار.
- نادری، بقراط (۱۳۵۷). **تاریخچه طیس و نگاهی کوتاه به بناهای باستانی آن**. *هنر و مردم*، ۱۸۶، ۶۳-۵۴.
- نعیم، غلامرضا (۱۳۸۵). **باغ‌های ایران که ایران چو باغیست خرم بهار**. تهران: پیام.
- هدین، سون (۱۳۵۵). **کویرهای ایران**. (پرویز رجبی، مترجم). تهران: انتشارات توکا.





Received: 16 Januray 2015

Accpected: 3 Juan 2015

Comparative Study between the Architectural and Urban Design Patterns of Tabas Bagh-Shahr in the Zandieh Era and Isfahan Bagh-Shahr in the Safavid Era

Arezoo Hoseini* - Ph.D. Candidate in Islamic Architecture, Isfahan, Faculty of Architecture and Urbanization, Isfahan Art University, Isfahan, Iran.

Khatereh Moravej Torbaty - M.A in Iranian Architecture Studies, Isfahan, Faculty of Architecture and Urbanization, Isfahan Art University, Isfahan, Iran.

Abstract

Looking at the Iranian urban design, we encounter a concept that is called the urban development, in which in some cities is comparable to Bagh-Shahr in Modern meaning. Bagh-shahr is a professional word in urban design of Iran that means a designed city covered with green areas. The development of Tabas and Isfahan could belong to this category. Nowadays, not getting idea from available values in the past architecture and urban design of Iran has caused some problems, while by considering the traditional architecture and urban design of Iran, such ideas can be clearly seen at different eras. This research sought to answer the question of “whether the developments of Tabas Bagh-Shahr in the Zandieh Era and Isfahan Bagh-Shahr in the Safavid Era have followed a common pattern”. To achieve this objective, the researchers use written and illustrative resources as well as descriptive-analysis method to compare analogy of the two Bagh-Shahrs. The findings of this research show that the most important similarities of Tabas and Isfahan Bagh-shahrs. These similarities are the pattern of city development, the initial and final points of the development axis, the adjacent functions of the development axis, the general pattern of the final gardens’ plans of the development axis, and the general pattern of the water flow into the city. Regarding these similarities as well as time delay in forming Tabas Bagh-Shahr compared to Isfahan Bagh-shahr, it seems that the pattern of Tabas development in the Zandieh Era was inspired by Isfahan Bagh-Shahr in the Safavid Era.

Keywords: *Tabas, Bagh-Shahr; Isfahan, Zandieh Era, Safavid Era, Pattern*